



خصوصی سازی در صنعت برق

محمد حسین نجم الدین - ناصر احساسی

شرکت توزیع نیروی برق استان سمنان

کلید واژه: خصوصی سازی، صنعت برق

۱- مقدمه

آگاهیهای فزاینده در حال تبلور است مبنی بر تبیین این مفاهیم که عملکرد نامطلوب اعظم بخش های دولتی سبب بروز نارسائی جبران ناپذیری در فعالیتهای اقتصادی و بالطبع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی گردیده اند و این استنباط را نیز تقویت بخشیده اند که در صورت ایجاد واحدهای مستقل که یک نوع خط مشی خاص را هدف و به صورت فعال عمل و مأموریتی مجزا داشته باشد و به شکل مستقل هدایت و رهبری شود و دارای گروههای رقیب بوده و خود برای خویش طراحی و روش حرکت مشخصی تعیین کند موفق خواهد گردید لذا استفاده از مکانیزم های بخش خصوصی و بازار در بخش های مذکور راهی در جهت منطقی کردن ساختار اقتصادی جامعه و کاهش فشار بر بودجه عمومی، بالا بری کارایی، گسترش مالکیت در کشور، تجهیز منابع مالی خصوصی، برنامه ریزی نیروی انسانی و استفاده کار آمد از تخصص های موجود و ایجاد انگیزه برای فعالیت.

چکیده

گام برداشتن در زمینه خصوصی سازی واحدهای دولتی به عنوان یکی از راهها و تفکر در منطقی کردن ساختار بخش های دولتی و کاهش فشار آنها بر دولت و بالا بردن کارایی این واحدها و تجهیز منابع مالی و استفاده کار آمد از تخصص های موجود و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز از طریق بهسازی و آموزش نیروی انسانی و کاهش بار خدماتی و مالی دولت تلقی میگردد در این مقاله سعی بر اینست که مشخص گردد فرآیند واگذاری و سیاست خصوصی سازی شرکتهای وابسته به صنعت برق در رابطه با اهداف، ساختار، مالکیت، منابع مادی و انسانی و مدیریت و تصمیم شیوه های عملی آن در رابطه با عوامل خارجی و داخلی محیطی و بالاخص انسان چگونه خواهد بود و اینکه رویداد قابل لمس و تجربه حقیقی و واقعی فرآیند مذکور چه اثراتی را دارا می باشد و چگونه تفسیر و تجزیه و تحلیل می گردد.

کاهش بار مالی خدمات دولت، افزایش میزان مشارکت در مدیریت و بهره‌وری بهینه منابع و بهداشت روانی محیط کار خواهد بود.

در این مقاله سعی بر اینست تا اثرات خصوصی سازی در صنعت برق بررسی گردید و آنگاه با توجه به شناخت‌های حاصله رهیافت‌های آن را در اختیار مسئولین قرار دهد.

۲ - شرح مقاله

ساختار اقتصادی کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور مالزی چنان ویژگی‌هایی برخوردار است که به سختی می‌توان حضور دولت را در صحنه اقتصادی نفی کرد با این حال تجربه این کشورها در دهه‌های قبل و عدم موفقیت‌های ناشی از آن سیاست‌گزاران را تحت‌نظر گذاشته است تا در نحوه مدیریت اقتصاد جامعه تجدید نظر کنند همانطور که بیان شد عملکرد نامطلوب اکثر بخش‌های دولتی موجب شده که امروز در جوامع زیادی ایده خصوصی سازی به مفهوم واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به مکانیزم بازار به عنوان ابزار مناسبی جهت منطقی کردن ساختار نظام اداری و ساختار اقتصادی و به عنوان شیوه‌ای جدید برای توسعه اقتصادی مطرح و مورد استفاده قرار گیرد.

نکته حساس در خصوص سازی در نظر داشتن ابعاد مختلف از جمله جنبه‌های اجتماعی و سیاسی موضوع به موازات جنبه‌های اقتصادی آن می‌باشد به طوری که عدم توجه همه جانبه به کلیه ابعاد خصوصی می‌تواند عواقب نامطلوبی را برای هر کشور به همراه داشته باشد و باعث شود تا مزایای اقتصادی آن را تحت‌تبع قرار دهند.

به عقیده کارشناسان هر اقدام خصوصی

سازی نیاز به ایجاد زمینه سازی‌های لازم اقتصادی و بستر سازی اجتماعی و سیاسی خواهد داشت به خصوص در کشورهای در حال توسعه قبل از خصوصی سازی باید شرایط آن فراهم گردد و هر کشوری با در نظر گرفتن امکانات سرمایه‌ای خود در حد توسعه یافتگی، گستردگی و عمق صنایع، تکامل بخش خصوصی و سایر عوامل فرهنگی و ارزشی و با استفاده از روش‌های مناسب خصوصی سازی را اجرا نموده و بعد در عمل مشکلات و موانع پیش‌بینی نشده را برطرف نمایند. از طرف دیگر قرن بیستم را بسیاری قرن انرژی نامیده‌اند هر چند به نظر می‌رسد این عنوان در کنار سایر عناوین این قرن مثل قرن نضا یا قرن ارتباطات کمی ناشناخته مانده است ولی این موضوع از اهمیت انرژی یا نقشی که در ساختن بنای تمدن بشر در قرن حاضر ایفا کرده است نمی‌کاهد چرا که نقش و تأثیر مستقیم انرژی را می‌توان در تمامی زیر ساخت‌های اقتصادی و فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و حتی زندگی روزمره بشر به خوبی مشاهده نمود نتایج بررسی‌های موجود در بخش انرژی بیانگر این است که منابع انرژی در جهان محدود بوده و تلاش پژوهشگران برای کشف و جایگزین کردن انرژی‌های تجدید پذیر و نو تا کنون چندان امیدوار کننده نبوده است و بدین جهت مدیریت انرژی در تعیین استراتژی‌های استفاده بهینه از منابع انرژی یک ضرورت اساسی بوده و لازم است با بکارگیری روش‌های مناسب تولید و مصرف حداکثر بهره‌برداری را از انرژی مصرفی داشته باشیم.

بدون شک اجرای سیاست خصوصی سازی در صنعت برق کشور نیز در راستای هدف بهینه‌سازی منابع انرژی بوده به گونه‌ای که بتوان حداکثر بهره‌وری ممکن از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این زمینه را کسب نمود و ضمن افزایش کارایی منابع به موازات آن مطلوبیت مصرف کنندگان در تمام سطوح را بهبود بخشد. بنابراین مطالعه و پژوهش در زمینه آثار

۲-۲- بهبود ساختار تشکیلات

عبارت است از:

بهبود کارایی و بهره‌وری عملکردها از طریق مشارکت داوطلبانه و آگاه در تمام سطوح شرکت‌های برق

- تأمین انتظارات معقول و ملموس کلیه کارگزاران و دست‌اندرکاران در تمام سطوح با برنامه‌ریزی منظم. بهسازی و آموزش و ارتقاء و جابه‌جایی کارکنان و شیوه‌های انجام کار

- ایجاد محیطی امن و اعتماد به حفظ ساختار عمودی سازمان و تقویت حلقه‌های ارتباطی کارکنان و مدیران در محیط‌های غیر رسمی

- شرکت دادن کلیه کارکنان در منافع حاصل از تغییرات و تشویقها و انگیزه‌های مادی و معنوی برای تقویت خلاقیت و نوآوری

- اعمال تغییرات بوسیله مشارکت، کارگروهی و دسته‌جمعی همراه با آموزش مستمر و تشکیل جلسات و سمینارهای مشارکتی بطور فزاینده

- طرح ریزی نیروی انسانی جامع با وضعیت موجود و استفاده از ابزارهای گوناگون بویژه آموزش

۲-۳- ایجاد رضایت بیشتر مشتریان

در این مورد توجه به سایر موارد زیر مطرح

است:

- تمرکز و تأکید بیشتر به وضعیت روشنایی معابر به عنوان شاخص‌ترین و عمومی‌ترین نماد عملکرد صنعت برق در بین عامه مشتریان و عموم مردم امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد که بعلاوه این امر باعث کاهش میزان شکایات از بخش توزیع نیروی برق نیز می‌شود.

خصوصی‌سازی در صنعت برق از دیدگاه تئوریهایی مدیریت و با در نظر گرفتن هدف بهینه‌سازی منابع انرژی می‌تواند از اهمیت به‌سزایی در فرایند توسعه اقتصادی کشور برخوردار باشد. در فرایند خصوصی در جستجوی اثرات خصوصی‌سازی خصوصی‌سازی بعنوان یک متغیر مستقل و موارد زیر را بعنوان تیغه‌های وابسته در نظر بگیریم بصورت مؤثری پاسخ مطلوب را می‌توانیم داشته باشیم.

۱-۲- افزایش بهره‌وری

عملکرد نیروی انسانی به عنوان مؤثرترین و بهترین عامل در بهبود عملکرد کلی سیستم و بهره‌وری کلی شناخته شده است. بر اساس مطالعات انجام شده و نظریه مکاتب گوناگون مدیریتی در بخش خصوصی با تأکید بر نیازهای انسان و با ایجاد تغییر در عوامل انسانی در درون سازمان و مدیریت کارکنان سعی بر افزایش بهره‌وری کارکنان می‌باشد و نیز افزایش راندمان سیستم تولیدی و بهبود عملکرد سیستم از طریق تدوین و بهبود عملکرد سیستم از طریق ایجاد یک برنامه و سیستم منظم نگه‌داری و تعمیر پیشگیرانه که موجب کاهش حجم تلفات شبکه، نوسانات ولتاژ شبکه و خاموشی‌های ناشی از عوامل توزیع و حداقل نمودن هزینه تعمیرات و نگه‌داری شبکه و بعلاوه موجب افزایش درآمد و رضایت مشتریان نیز میگردد. از جانی افزایش بهره‌وری سیستم از طریق تدوین و نهادینه کردن سیستم کنترل کیفیت جامع به منظور استفاده بهینه از منابع و خصوصاً کاهش ضایعات و کنترل و مراقبت و کاهش هزینه‌ها میسر می‌شود.

۳- محدودیت‌ها و مشکلات خصوصی سازی

بطور کلی مشکلات خصوصی سازی در ابعاد اجرایی، سازمانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، اجتماعی و اداری به شرح زیر است:

۱- هرگاه مقرر گردد که واحدی نظیر صنعت برق خصوصی گردد عوامل ناکامی های آن، زمانبندی این امر، شیوه و واگذاری، تعیین اولویت‌های واگذاری دارایی‌ها و تعیین ارزش روز آنها از جمله مشکلات اجرایی خواهد بود.

۲- هرگاه مقرر شود که صنعت برق از طریق عرضه سهام به مردم واگذار شود این کار نیاز به سازماندهی و تعیین وظایف کلیه ارگانها خواهد بود که می‌خواهند موضوع فروش واحدهای دولتی را عملی سازند. طبعاً در این مورد خزانه، بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت اقتصاد و دارایی و دیگر ارگان‌ها دارای وظایف و نقشهایی خواهند بود که تنظیم این نقش‌ها و تعیین وظایف هر کدام و جلوگیری از تداخل وظایف و یا دوباره کاری مشکلات عدیده‌ای را موجب خواهد گردید.

۳- صنعت برق به عنوان یکی از مظاهر ملی و قدرت دولت قلمداد می‌گردد و بنابراین خصوصی سازی در آنها میتواند برخلاف مصالح مالی و در جهت تضعیف بخش دولتی و تصویب بخش خصوصی تلقی شود که در نهایت بر خلاف منافع جامعه تعبیر خواهد شد.

۴- جامعه اعتقاد دارد که صنایع برق باید تحت نظر و اداره دولت قرار داشته باشد زیرا واگذاری این صنایع به بخش خصوصی یا استفاده از مکانیزم خصوصی سازی در این نوع امور موجب محرومیت بخش‌هایی از جامعه می‌شود.

۵- مشکلات اداری خصوصی سازی شکل‌های متفاوتی دارد گاهی به دلیل وسعت یک بخش دولتی نظیر صنایع برق برای خصوصی سازی منابع لازم

- افزایش میزان شفافیت و جامعیت اطلاعات مربوط به تشکیل پرونده و هزینه انشعابات و مدت زمان وصل انشعابات به منظور کاهش تعداد دفعات مراجعه مشترکین برای پیگیری و نتیجه‌گیری تفاضایشان و جلوگیری از اعمال سلیقه‌های شخصی و کاهش فساد اداری احتمالی از طریق اعلام و ارائه مدارک مورد نیاز - افزایش میزان شفافیت و جامعیت اطلاعات مربوط به قبوض مشترکین و نحوه محاسبه هزینه برق مصرفی آنها. این امر نه تنها از حقوق اولیه و مسلم مشتریان در تمامی کشورها بوده بلکه از عوامل مهم و مؤثر در مدیریت مصرف که استراتژی صنعت برق در برنامه‌های دوم توسعه است می‌باشد و بعلاوه تا حدی نیز باعث کاهش شکایات مشترکین می‌گردد.

- کاهش زمان رفع عیوب و خاموشیها از طریق افزایش سطح مهارت داشتن و انگیزش کارکنان شاغل در بخش اتفاقات

- تجزیه و تحلیل و هزینه فایده طرحهای کاهش زمان دوره و قرائت کنتور مشترکین و تعویض و نصب کنتورهای چند تعرفه.

- تأکید بر ارتقاء سطح کیفی عملکرد و کارکنان شاغل در امور مشترکین و مأمورین شماره برداری کنتور از طرق سطح تحصیلات، تجربه و مهارت، آراستگی ظاهر، متانت و برخورد مناسب، لباس متحدالشکل مأمورین شاغل در اداره مشترکین و مأمورین شماره برداری کنتور.

- ارتقاء سطح کیفی برق تحویلی و تضمین ارائه آن با معیارهای قابل قبول (ولتاژ - فرکانس - میزان خاموشی ...) به مشترکین از طریق بهبود عملکرد واحدهای فنی.

جهت خرید شرکت‌های مذکور در دست بخش خصوصی نمی‌باشد یا در هنگام عرضه شرکت‌های برق به بخش خصوصی بی‌نظمی مهم از لحاظ گردش و کانالیزه شدن منابع پولی ملاحظه خواهد شد که از جاری شدن سرمایه به دیگر بخش‌های جلوگیری خواهد نمود.

۶- یکی دیگر از تنگناهای اساسی تعریف نشدن آرمانها و اهداف در خصوصی سازی است و اینکه امکان ارزیابی آن وجود ندارد.

۷- تعیین مرز دقیق بین خصوصی سازی و دولتی یا عمومی. هرگاه مراد از مفهوم خصوصی سازی مکانیزم تصمیم‌گیری باشد ممکن است تصور شود که واحدی وجود دارد که مالکیت آن دولتی است اما رفتار همانند بخش خصوصی است (شرکت‌های توزیع) در همان حال ممکن است یک واحد که هم مالکیت و هم مدیریت آن خصوصی است رفتارهای دولتی عمومی از خود نشان دهد. بنابراین لزوم تعیین مرز دقیق یکی دیگر از محدودیت‌های عمده به شمار خواهد رفت.

۷- رهندهای دیگر خصوصی سازی عبارتند از: فقدان فرهنگ اقتصاد آزاد - عدم وفاق سیاست‌گذاران - ابهام بر سر اینکه چه کسانی مالک بنگاه‌های دولتی باشند و ارزش این بنگاه‌ها چقدر است، ضعف زیر بنای فیزیکی که مانع تشویق سرمایه‌گذاری خارجی میشود، نبود چارچوب و ضوابط قانونی برای هدایت فعالیت‌های اقتصادی و کمبود وجوه برای سرمایه‌گذاری از جمله موانع بشمار می‌آیند.

۴- پیشنهادات

با توجه به نتایج مباحث نظری و عملی پیشنهادات در دو بخش عام و خاص ارائه می‌شود.

پیشنهادات عام، جامع و کلی بوده و مربوط به سطح کلان است و قابلیت استفاده در کلیه سطوح فعالیت‌های اقتصادی را دارد و پیشنهادات خاص مربوط به سطح صنعت و بنگاه اقتصادی بوده و قابلیت استفاده برای شرکت‌های توزیع نیروی برق را دارد.

۱- ۴ پیشنهادات عام:

با توجه به تجارب کشورهای موفق در امر خصوصی سازی لازم است اقدامات زیر که زمینه ساز شرایط محیطی و بستر لازم جهت توفیق در این امر است انجام گردد.

۱- تشکیل یک نهاد متمرکز مستقل، قوی و بانفوذ برای امر واگذاری جهت تبیین و تدوین سیاست‌های این رفرم و پیگیری اقدامات لازم تا دستیابی به نتایج مورد نظر امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

۲- باید سیاست‌گذاران و کارگزاران نظام تعهد متفق القول و عمیق خود را در مورد سیاست‌های خصوصی سازی اعلام و نسبت به آن اجماع داشته و جهت‌گیری مستمر و مداوم و موثری در راستای اهداف تعیین شده داشته باشند.

۳- سیاست‌های تثبیت اقتصادی و آزاد سازی قبل از خصوصی سازی، اعمال و چارچوب مشخصی برای اعمال سیاست‌های پولی و مالی تعیین شود به طوری که برنامه خصوصی سازی با برنامه توسعه نهادهای مالی و پولی و توسعه بازار سرمایه توأماً همزمان گردد و خصوصی سازی جزئی از اصلاحات اقتصادی باشد.

۴- ضروری است با توجه به اینکه وجود نهادهای سازمان یافته از عوامل زمینه ساز موفقیت فرایند خصوصی است جهت گسترش این نهادها و قانونمند نمودن آنها اقدامات، وسیعی صورت گیرد.

۵- انواع سیاست‌ها و قوانین تبعیض‌گرایانه بین

شرکتهای دولتی و شرکتهای خصوصی حذف و یا در صورت ضرورت به حداقل تقلیل یابد.

۶- ضروری است بر عملکرد شرکتهای واحدهای دولتی بویژه انحصارات دولتی پس از خصوصی سازی نظارت و کنترل دقیق تر اعمال گردد و نیز اقدامات حمایتی پس از خصوصی سازی مانند حمایت مالی برای ادامه حیات شرکتهای باز پرداخت دیون شرکتهای تضمین شرکتهای جهت دریافت اعتبار از بانکها و... امر ضروری به نظر میرسد.

۷- همزمان با انجام اقدامات لازم اقتصادی در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز اقدامات، ضروری در خصوصی جلب نظر مردم و باور آنها و حمایت از منافع ملی و تضمین منابع مصرف کنندگان انجام پذیرد.

۸- ضروریست است از مشاورین و متخصصین و خبرگان در امور تعیین قیمت واگذاری، زمان فروش، نحوه توزیع و... استفاده شود. به عنوان مثال اگر قیمتها دقیق و عادلانه ارزیابی نشوند و بالا تعیین گردند ممکن است به دلیل عدم استقبال و یا عدم توان بخش خصوصی در خرید آنها موجب شکست خصوصی سازی گردد.

۲-۴- پیشنهادات خاص

۱- برای تضمین موفقیت برنامه واگذاری ضروری است اقدامات مؤثری در تجدید ساختار سازمانی، اصلاح ساختار مالی و عملیاتی واحدهای مورد نظر انجام پذیرد بررسی عملکرد فرایند خصوصی سازی در برنامه اول و دوم توسعه بیانگر این مطلب است که تا حدی این مسئله یعنی خصوصی سازی بدون بازسازی و تجدید ساختار از عوامل عدم موفقیت خصوصی سازی بوده است لذا در نظر داشتن

چنین برنامه های در برنامه ریزی ها ضروری است.
۲- روشها و تکنیکهای مورد استفاده باید متناسب با اهداف خصوصی سازی و شرایط کلان اقتصادی و ویژگیهای خاص هر بنگاه و موسسه اقتصادی باشد بعلاوه هدف از خصوصی سازی انتقال مالکیت نمی باشد و به دلیل ویژگیهای خاص حاکم بر صنعت برق فرایند خصوصی سازی زمان بر بوده و بدین دلیل استفاده از اقدامات سازمانی و عملیات بهره وری از روشهای نوین ترار داد مدیریت و... کار سازتر و مؤثرتر از روش انتقال مالکیت است و اولویت شکستن انحصارات و ایجاد بازار رقابتی در این صنعت می باشد -

۳- با توجه به مطالب فوق واز آنجاکه ضایعاتی مثل آب و برق و گاز و راه آهن به خاطر اهمیت فعالیتشان دارای قدرت انحصاری بوده و در یک منطقه جغرافیایی خاص فقط یک شرکت می تواند به ایجاد تأسیسات آنها (مثل لوله گذاری، احداث شبکه های توزیع انرژی برق و...) نموده و به مشتریان خدمات مورد نظر را ارائه دهند معمولاً این صنایع متعلق به دولت می باشد لذا در خصوصی سازی این صنایع باید به نکات زیر توجه گردد:

۱-۳- توجه به منافع مشتریان و مصرف کنندگان و تعیین نرخ عادلانه فروش خدمات

۲-۳- حرکت به سمت کاهش امتیازات انحصاری این شرکتهای و اجازه فعالیت به شرکتهای جدید

۴- از آنجاکه در بحث خصوصی سازی صنعت برق موضوع رقابتی کردن ساختار مهمتر از تغییر مالکیت تلقی شده لذا پیشنهاد میگردد.

۱-۴- توسط یک کمیته خبره و مستقل و متشکل از متخصصین صنعت برق، اقتصاد و مدیریت مطالعات کارشناسی دقیق واقع گرایانه در مورد بررسی امکان سنجش دستیابی به هر یک از ساختارهای رقابتی صورت پذیرد.

۲-۴- در صورتیکه دستیابی به این نوع ساختارها در

کوتاه مدت امکان پذیری نمی باشد ضروری است
توأمأ و همزمان با تغییر قیمت های فروش برق و واقعی
نمودن آنها مکانیزمی جهت تضمین ارائه خدمات
مطلوب و به موقع و نیز جبران خسارهای وارده به
مشترکین طراحی گردد.

۳-۴- معیارها و شاخصهای معینی بر اساس اصول
اداره اقتصادی و کارایی سیستم تدوین شود و به منظور
تحقق این معیارها و اهداف، اختیارات مناسب و در
تمامی ابعاد به مجمع، هیئت مدیره و مدیرعامل واگذار
گردد و در مقابل یک سیستم نظارتی قوی و مستقل بر
اداره امور نظارت نماید.

و در نهایت ارزیابی عملکردها بر اساس این
معیارها و نتایج آن مبنای انتخاب، عزل و نصب قرار
گیرد مجموعه این اقدامات در برگیرنده تأثیر نقطه
نظرات مصرف کنندگان در تصمیم گیریهای اقتصادی
مؤسسه و کاهش تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی بر
فعالیت های اقتصادی موسسات خواهد بود و موجب
میگردد تا نگرش به خصوصی سازی به عنوان یک
موضوع استراتژیک و فرایند مستمر و نه یک برنامه
منقطعی و گذرا مطرح گردیده و به یک فرهنگ نهادینه
شده در سطح سازمان تبدیل گردد.

منابع و مأخذ

۱- بیان، حسام الدین، (مدیریت تغییرات پایدار
(بهبود و بازسازی)، مرکز آموزش مدیریت دولتی،
تهران ۱۳۷۳.

۲- متوسلی، محمود. خصوصی سازی یا ترکیب
مطلوب دولت و بازار. چاپ اول، موسسه مطالعات و
پژوهش های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۳.

۳- نصیر زاده، غلامرضا، پیرامون خصوصی
شرکت های دولتی، انتشارات دانشکده مدیریت
دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

۴- تقوی، مهدی، خصوصی سازی در برنامه اول
توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی، فصلنامه علمی و
پژوهشی تحقیقات عالی، سال اول، شماره ۴، (پاییز
۱۳۷۳).

۵- حیدری، غلامرضا، طراحی مدل خصوصی سازی
در صنعت ایران، پایان نامه دوره دکتری، دانشکده
مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.

۶- مقل، عباس. هدف ها - عواید و مشکلات
خصوصی سازی صنایع دولتی. فصلنامه علمی و
پژوهشی دانش مدیریت، ۱۳۷۲.

۷- رزاقی، ابراهیم، نقدی بر خصوصی سازی ایران.
مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۶.

۸- سازمان صنایع ایران، پیرامون واگذاری شرکتهای
دولتی، سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۶۸.

۹- عرفانی جورابچی مهدی، سازمان برق فرانسه،
شرکت برق منطقه ای تهران، ۱۳۷۲.

۱۰- فروغی، داریوش، تولید برق و آهنگ خصوصی
سازی، مجله صنعت و ایمنی، سال سوم شماره ۲۷ -
زمستان ۱۳۳۸.

۱۱- قدیری اصلی، باقر، سیر اندیشه اقتصادی، چاپ
سوم، انتشارات تهران، ۱۳۰۰.

۱۲- کیانی، منوچهر، هاشمی، ابوالقاسم، روستا، علی،
جهانخانی، علی مه آبادی پور، محمدرضا، خصوصی
سازی - شرایط صنایع ملی ایران (معاونت طرح و
برنامه)، تهران، ۱۳۷۳.

۱۳- پاکدامن، رضا، جنبه های کاربردی خصوصی
سازی به انضمام قوانین و مقررات ایران، چاپ اول.
مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۷۴.

۱۴- رحیمی، غلامرضا، طراحی مدل خصوصی
سازی در صنعت ایران، پایان دوره دکتری، دانشکده
مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۱۵- یابندانی، جمشید، خصوصی سازی در شرکت
برق منطقه ای گیلان، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد.
دانشگاه تهران (دانشکده مدیریت)، ۱۳۷۲.